

است تا علم تو در قیامت خصم تو نباشد و بر تو حجت نباشد اما
تا که زنی لول باید که تا توانی مشاطه مکن و با کسی در مسند که روز
حجت نیکی که کفایت آن بسیار و اتم از نفع آن بیشتر است زیرا که
بمنع همه خلاق ذمیست چون ریا و حسد و تعدد عداوت و
مباهات و غیر آنها پس اگر مسند در دستت میان تو و دیگر دو جوانی
که آنچه حق است شکار کرده و برین نیست روایت کرده در آن مسند
بگنجی رود و صدق این نیست را و دشمنان است بی آنکه فرق نمی بینا
آنکه بزبان تو مشغول کرده یا زبان خصم تو ویم آنکه بخش کردن در حلقه
دولت داری از طلا اما اگر کسی مسئله بگویی و تودایی که در دست است از
استهزی که ز نهاری بوی حجت نیکی و سخن فروگذاری و اگر بپوشت انجام دهد
فایده حاصل نشود و اینجا فایده بگویم بدانکه سوال کردن از خبره مشکل عرض کردن
علت و بیماری دل است بر طب دل و جواب دادن سببی کردن این طبیب
است در نشانی این بیماری تعیین دل که جانان همان اند که فی قلب هم فروغ عالم
طبیبان اند و عالم ناقص طبیبی را نشاید و عالم کامل هم بیماری را طبیبی است
که در وی امید بهی سخنان است و طبیب آن باشد که گوید این بیماری را علاج بپزد

بپزد

بپزد و دو عداوت وی مشغول گشتن روزگار خود ضایع کردن است اکنون
بدانکه جانان جهل چهار گونه اند از این چهار یکی علاج بپزد است و سه علاج بپزد
نیستند اول معاند و چنین که هر که جواب او که خواهد بود بپزد بپزد بپزد
روشن تر گوید از این خشم زیاده تر کرد و ترامنگر نشود و ترادشمن تر دارد
و نشخص جد وی افروخته تر کرد پس طریق است که خود جواب او مشغول
گروی چه بگو گفته است آن است که این بیت گفته است **غم علی کل**
العداوة تری الالتمنا الا عداوة من عداک من حبس تبیروی ان بود
کودر آن بیماری باز گذارد و از وی اعراض کند فاعرض عنک توی عن کربنا
و طمیر و الا هیجوة الدنيا و حسود بهر که کند و گوید پیش حسد در غم خود بر
و حسد باطل حسنات گماید باطل السار لخطب بیماری دوم آن بود که علت
از حاکم بود این نیز علاج پذیر نیست علی علیه السلام گفته است
کمن از زنده کردن دزد عاجز نیامدم و از معاصی اجتناب نکرده ام این
کس بود که دوستی زود زیر مطالب علی مشغول کرد و در علوم عمیق خود
مهر کنش و معجزه باشد و انگاه عالمی بزرگ است هر عمر خود در علم شریعی
و فلسفی که باشد اعراض و این مقدار بپزد که اعراض او عالمی دیگر از آن

بپزد اول

بپزد اول